

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۲۷۷۳ - ۲۰۰۷

سلسله تکه نگاشت های
الگوی اسلامی ایران پیشرفت

توسعه پایدار در بیتوجهان بین المللی

اردیبهشت ۱۳۹۵

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی:

باید در طراحی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت
بر چهار عرصه‌ی فکر، علم، معنویت و زندگی تکیه شود
که در این میان، موضوع «فکر» بنیانی‌تر از بقیه‌ی عرصه‌ها است

در دیدار اعضای شورای عالی
مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
۱۳۹۱/۱۲/۱۴

سرشناسه	گلشنی، مهدی، ۱۳۱۷ -
عنوان و نام پدیدآور	توسعه پایدار در پرتو جهان‌بینی اسلامی/نگارش مهدی گلشنی
مشخصه نشر	تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، انتشارات الگوی پیشرفت، ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری	۶۲ ص.
فروست	سلسله تک‌نگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ ۶۵
شابک	978-600-7611-69-2
وضعیت فهرست‌دهی	ف
موضوع	توسعه پایدار -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع	Sustainable development -- Religious aspects -- Islam
شناسه افزوده	مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، انتشارات الگوی پیشرفت
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۵-۲/۵۸۳-۲۲۱
رده‌بندی دیویی	۲۹۷/۴۸۳۳
شماره کتابشناسی ملی	۴۲۳۰۴۵۵

سلسله تک‌نگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت:
توسعه پایدار در پرتو جهان‌بینی اسلامی

نگارش: دکتر مهدی گلشنی (استاد ممتاز دانشگاه صنعتی شاهرود)

ناشر: نشر الگوی پیشرفت، وابسته به مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۶۹-۲-۷۶۱۱-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

تلفن: ۰۲۱۸۸۶۳۴۰۰۸ - ۰۲۱۸۸۰۱۴۶۴۸

www.olgou.ir

Email:olgou@olgou.ir

نشانی: تهران، خیابان جلال آل احمد، رویه‌روی بیمارستان شریعتی، شماره ۳

تمامی حقوق این اثر متعلق به مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است.

مسئولیت دیدگاه‌های بیان شده در این تک‌نگاشت بر عهده مؤلفان محترم است.

پیشگفتار

تعیین مبانی، ارکان، چارچوب و مسیر پیشرفت کشور در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران باید با مشورت گسترده و حضور همه جانبه دانشمندان، محققان، نخبگان دانشگاهی و حوزوی و جوانان این مرز و بوم صورت گیرد. به گواه تاریخ و تجارب گذشته، پیشرفتی همه جانبه و پایدار خواهد بود که مبانی اسلامی و اقتضائات ایرانی در آن توأمان مورد توجه باشد.

اینک مرکز الگوی اسلامی ادانی پیشرفت در آستانه اتمام سه سال تلاش‌های علمی، تخصصی و فکری درباره پیشرفت اسلامی ایرانی، برگزاری نشست‌های علمی و تخصصی، تأسیس اندیشکده‌های مرکز، انتشار صدها مقاله ارزشمند و تهیه نقشه راه تدوین الگو و انجام برخی از مراحل آن، در نظر دارد با هدف تدوین نقش و گسترش و تعمیق ادبیات موضوعی در حوزه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، آثاری را با صرف تکیه بر نگاشت‌های علمی فاخر منتشر نماید. تکیه بر نگاشت نوشتاری تخصصی و نیمه متوسط است، که توسط یک پژوهشگر خبره در یک موضوع خاص نگاشته می‌شود. تکیه بر نگاشت از نظر حجم و محتوا حد فاصل مقاله و کتاب است و نویسندگان با پردازش و تحلیل یافته‌ها و مطالعات تخصصی پیشین و افزودن یافته‌های پژوهشی جدید خود و تحلیل جامع و منسجم آنها افق‌های تازه‌ای را در زمینه مورد بررسی می‌گشاید. سلسله تکیه بر نگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که در مقالات مختلف منتشر می‌شوند، حاصل تلاش جمعی از استادان، اندیشمندان و محققان دانشگاهی و حوزوی است که مراحل مختلف نگارش، ارزیابی، ویراستاری، تدوین و انتشار را با نظارت متخصصان و اهل فن گذرانده است و در اختیار صاحب‌نظران قرار می‌گیرد. در پایان از مساعدت‌ها و تلاش‌های ارزنده نویسندگان تکیه بر نگاشت‌ها و داوران و مراکز مختلف علمی و پژوهشی که ما را در تهیه، تدوین و انتشار این سلسله یاری رساندند، تقدیر و تشکر می‌شود. امید است این محتوای علمی بتواند افق‌های نو و روشنی را در پیش چشم متخصصان دانشگاهی و حوزوی بگشاید و هر روز در طی مسیر تدوین و تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت گام‌های بلندتر و استوارتری برداشته شود.

فهرست

۷	مقدمه
۱۰	سر گذشت علم در جهان اسلام در قرون اخیر
۱۴	نقش اسلام در توسعه علمی و فناوریانه
۳۴	برای توسعه علمی پایدار چه باید کرد؟
۵۶	جمع بندی
۵۹	منابع

مقدمه

امروزه در کشور ما مسأله توسعه علمی، شاخص های پیشرفت علمی و غیره مطرح است. اما از نظر نگارنده اهداف جامعه علمی ما خیلی خوش تعریف و یا مطلوب نیست. برای تبیین مطلب مروری بر بعضی موضوعات کلیدی ضروری است.

در مورد اینکه هدف از کسب علم چیست از قدیم نظرات مختلف مطرح بوده است. یک دیدگاه قدیمی «علم به خاطر علم» است. گفته اند که فعالیت علمی جالب است و مایه شغف معنایی می شود، و حسن کنجکاوی ما درباره طبیعت و زیبایی های آن را ارضاء می کند. از نظر یونانک، دانشمندان طبیعت را مطالعه می کنند، چون باعث لذت می شود و باعث لذت می شود، چون دایمیت زیبا است.

یک دیدگاه دیگر، که دیدگاه ادیان توحیدی بوده است، این است که فعالیت علمی برای فهمیدن آثار صنع الهی در طبیعت برآوردن نیازهای مشروع انسان ها و جوامع انسانی است. انسان ها خلیفه خداوند در جهان هستند و باید آن را آباد کنند و از تخریب آن بپرهیزند. این دیدگاهی است که دانشمندان اسلامی و بنیانگذاران علم جدید نظیر نیوتون دنبال می کردند.

در قرون جدید، خصوصاً در قرن بیستم، نگرش جدیدی نسبت به علم پیدا شد و آن تعقیب کار علمی به خاطر منافع عملی و مادی آن است. این دیدگاه در میان حکومت های معاصر جهان، خصوصاً کشورهای پیشرفته صنعتی، غلبه دارد. چون کسر بزرگی از بودجه فعالیت های علمی توسط حکومت ها و صنایع بزرگ تأمین می شود. نتیجه کاربرد علم عمدتاً در جهت کسب قدرت و ثروت بوده است.

دیدگاه ادیان توحیدی مشتمل بر دیدگاه اول هم هست ولی از آن فراتر می رود، زیرا اجازه نمی دهد علم در جهت نابودی بشر و محیط زیست به کار رود. اما طبق دیدگاه های اول و سوم، خصوصاً دیدگاه سوم، هیچ محدودیتی نباید در کار علمی باشد.

(ب) در بعد نظری، علم جدید فقط با جهان مادی سر و کار داشته است و فقط برای یافته های ریشه دار در حواس ارزش قائل است. در این بینش یوزیتویستی، خدا و بعد

معنوی انسان نادیده گرفته می‌شود یا مورد انکار قرار می‌گیرد و دغدغه انسان‌ها محدود به حوزه مادی جهان شده است. به قول ارنست شوماخر (از اقتصاددانان برجسته نیمه دوم قرن بیستم):

«علم قدیم «حکمت» یا «علم برای شناخت» عمدتاً متوجه «خیر مطلق» بود، یعنی حقیقت، خیر و زیبایی، که دانش آن خوشبختی و نجات به بار می‌آورد. علم جدید عمدتاً متوجه قدرت مادی بوده است؛ گرایشی که آن‌ها را نشان داده است که تقویت توان سیاسی و اقتصادی معمولاً عنوان اولین هدف، و توجه اصلی، برای خرج کردن در راه کار علمی به حساب می‌آید. علم قدیم به طبیعت به عنوان صنع الهی و مادر انسان نظر می‌کرد؛ علم جدید به عنوان خصمی به آن می‌نگرد که باید بر او پیروز شد یا صیدی که باید بر آن بهره‌برداری کرد.

اقلاً بزرگ‌ترین و مؤثرترین تفاوت، به نگرش علم به انسان مربوط می‌شود. «علم برای شناخت»، انسان را معلوقی به صورت خدا می‌داند، شاهکار خلقت، و بنابراین «مستول» جهان. «علم برای کنترل» ضرورتاً انسان را چیزی جز محصول تصادفی تکامل نمی‌بیند، حیوانی بالاتر، یک حیوان اجتماعی، و شی‌ای برای مطالعه با همان روش‌هایی که سایر پدیده‌های این جهان مطالعه می‌شوند: «به‌طور عینی» (شوماخر، ۱۳۸۱: ۱۴).

حاکمیت بینش یوزیتویسمی بر علم رایج آثار زیر را بیارآمده است:

- به دلیل موفقیت‌های علم تجربی در ابعاد نظری و عملی، یک عل‌زدگی فوق‌العاده در برخی از عالمان مسلمان به وجود آمده است، به طوری که اگر کسی تخصصی در یکی از علوم تجربی داشته باشد، هر نوع عقیده‌ای که ابراز کند، هرچند خارج از حوزه تخصصش باشد، وزنه دارد و مورد پذیرش قرار می‌گیرد. بدین ترتیب عده‌ای با سوء استفاده از اعتبار علم، حتی بعضی از مسلمات دینی را هم مورد تشکیک قرار داده‌اند و می‌دهند.

- در شرایط کنونی بسیاری از جوامع اسلامی به علت عقب افتادگی در زمینه‌های علمی و فنی دچار تزلزل هویتی شده‌اند و فکر می‌کنند که چون پیشرفت غرب مدیون علم است باید علم غربی را درست بپذیرفت و هر چیز غیر آن را به کنار گذاشت. این تفکر نه تنها

نمی‌تواند ما را در رشد علمی کمک کند بلکه با از بین بردن هویت اصیل مان راهی به ناکجا آباد پیش روی ما خواهد گشود.

- بی‌توجهی به معتقدات دینی، در دوره رواج علم پوزیتیویستی، به خاطر رواج این تفکر است که آنچه حاکم مطلق است همین علم است که حرف آخر را می‌زند. متخصصان علوم تجربی غالباً کمترین تردیدی در صحت برداشت‌های علمی خود ندارند. این امر دست مایه‌ای برای تخطئه دین شده است، و دین را به دلیل وجود نظرات مختلف در آن، در مقابل اتفاق نظر ظاهری در علم، به نسبی بودن و عدم اعتبار متهم می‌کنند.

- منحصر کردن حوزه دین به امور اخلاقی و اخروی، یکی از پیامدهای سلطه علم پوزیتیو، می‌بوده که حوزه کاربرد دین را به امور اخلاقی و اخروی محدود کرده است. عده‌ای تحت تاثیر تورات علم رایج، این اندیشه را رواج داده‌اند که دنیا را باید با علم (به مفهوم رایج آن، اشاره کرد) صرفاً به کار آخرت می‌آید.

با توجه به نکات فوق‌الذکر، آیا مسیری که غرب در استثمار طبیعت و انسان‌ها طی می‌کند می‌توان آینده‌های روشن برای جامعه بشری انتظار داشت؟ آیا با تمرکز که در عصر ما روی مادیات هست و غفلت که از معنویات می‌شود، و با زیاده‌تر شدن فاصله فقر و غنا و افزایش تولید سلاح‌های کشتار و ترسب روز افزون محیط زیست، می‌توان توسعه غربی را یک توسعه پایدار بحساب آورد و به دوام تمدن غربی ایمان داشت؟ به همین جهت بود که برتراند راسل بعد از جنگ جهانی اول در کتابی برای آینده تمدن بشری احساس خطر کرد:

«علم به انسان‌ها کنترل بیشتر خویش، مهربانی بیشتر با تار سرکوب کردن امیال‌شان به‌هنگام تصمیم‌گیری برای عمل را نداده، بلکه قوی‌تر، بیشتری برای اعمال شهوات دسته‌جمعی جوامع به آنها داده و با افزایش بیشتر جامعه، سهم ایفا شده به‌وسیله شهوات شخصی را کاهش داده است. شهوات دسته‌جمعی انسان‌ها عمدتاً شریرانه هستند، و قوی‌ترین آنها تنفر از گروه‌های دیگر و رقابت با آنها است. بنابراین، در زمان حاضر، تمامی آنچه که زیاده‌روی در شهوات دسته‌جمعی را به انسان‌ها می‌دهد بد است. به همین علت است که علم تهدید می‌کند که باعث نابودی تمدن ما شود»

(راسل، ۱۹۲۴: ۶۳-۶۲).

فریمن دایسون^۱، فیزیکدان برجسته معاصر نیز در زمان ما همین گونه هشدار را می‌دهد: «اگر فناوری مسیر فعلی را ادامه دهد، که در آن نیازهای فقرا نادیده گرفته می‌شود و منافع برای اغنیا در حال باریدن است، فقرا دیر یا زود علیه ظلم فناوری طغیان خواهند کرد و نامعقول می‌شوند و دنبال علاج‌های وحشیانه می‌روند.» (دایسون، ۱۹۹۷: ۱۲).

نیکولاس ماکسول^۲، فیلسوف علم معاصر، نیز در سال‌های اخیر ندای از "دانش به سوی حکمت" را در داده (ماکسول، ۲۰۰۷) و خواهان انقلابی در فلسفه علم (ماکسول، ۲۰۰۲) و برنامه دانشگاه‌ها (ماکسول، ۲۰۱۲) شده است.

به نظر نگارنده ما باید توسعه علمی و فناوریانه خود را تحت حاکمیت جهان بینی اسلامی قرار دهیم و با الهام‌گیری از آن در جهت برپایی یک تمدن اسلامی روزآمد برنامه‌ریزی کنیم.

(۱). سرگذشت علم در جهان اسلام در قرن اخیر

در دوران تمدن اسلامی، تمامی دانش‌ها تحت یک چهارچوب متافیزیکی جامع قرار می‌گرفت. دانشمندان مسلمان سلسله مراتبی برای شناختن قائل بودند که از دانش تجربی شروع می‌شد و به دانش وحیانی خاتمه می‌یافت. آنها همچنین به ارتباط بین حوزه‌های مختلف دانش معتقد بودند. همین دیدگاه بر عالمان غرب نیز در بدو تکون علم جدید حاکم بود.

هم برای عالمان دوره تمدن اسلامی و هم برای بنیانگذاران علم جدید، علم وسیله کسب منافع مادی نبود، بلکه آنها در مطالعه آثار صنع الهی آرامش فکری می‌یافتند و آن را عبادت پروردگار تلقی می‌کردند. به قول ابوریحان بیرونی:

"و چون کسی بر آن شود که حق و باطل را از یکدیگر باز شناسد، ناگزیر کارش به جستجوی احوال جهان و اینکه آیا همیشه بوده یا نو پدید است می‌انجامد و